تحلیلی اکتشافی از مختصات مکتب علمی ـ تربیتی علامه مصباح بر پایه شاخص‌های دوگانه شخصیت و آثار ایشان*

سیداحمد رهنمایی / دانشیار گروه علوم تربیتی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی rahnama@qabas.net

دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۱ ـ **پذیرش:** ۱۴۰۱/۰۱/۲۷

چکیده

مقاله پیش رو کوشیده است تا با مروری بر شخصیت و آثار علمی علامه مصباح یزدی، به پشتوانه رویکرد تحلیل اکتشافی و با استفاده از روش «توصیفی ـ تحلیلی»، مختصات مکتب علمی ـ تربیتی ایشان را که صاحب آثار و تألیفات متعدد است، کشف، استنباط و استخراج کند تا زمینه معرفی مکتب ایشان فراهم آید. هر مکتب علمی ـ تربیتی با ویژگی‌های ساختاری و محتوایی خود، قابل شناسایی و تحلیل و بررسی و تمایز از سایر مکاتب است. مکتب علامه مصباح نیز با برخورداری از چهارده ویژگی توانسته است در مقایسه با دیگر مکاتب مقارن و نظیر، رتبه خویش را ارتقا بخشد و ابعاد گوناگون خود را به منصهٔ ظهور برساند. با این بیان، شخصیت‌شناسی علامه مصباح از نگاه دیگران و با تکیه بر محوریت آثار مکتوب و سخنرانی‌ها و گفت‌وگوها و سیره تربیتی ایشان ما را به مکتبی علمی ـ تربیتی رهنمون می‌سازد که در این مقاله تنها به ذکر مختصات این مکتب براساس قابلیت‌های شخصیتی و ظرفیت‌های علمی علامه مصباح بسنده می‌شود. مراجعه و استناد به سایر منابع از آثار دیگران صرفاً از باب شرح و بسط و احیاناً نقد و بررسی مطالب مرتبط با موضوع و هدف مقاله است.

کلیدواژه‌ها: مکتب فکری، مختصات، علمی ـ تربیتی، تحلیل اکتشافی، علامه مصباح.

* این مقاله در همایش بین‌المللی «علوم انسانی اسلامی در اندیشه علامه محمدتقی مصباح یزدی» پذیرش شده است.

مقدمه

یک مکتب، فراتر و گسترده‌تر از یک یا چند نظریه، از مجموعه آراء منسجم و همخوان و همسو و روشمندی متولد می‌شود که یک یا چند متخصص صاحب سبک در رشته‌ای خاص از علوم پایه، دانش فنی، علوم انسانی، فلسفه، معارف اسلامی و یا هر رشته علمی و فرهنگی دیگر بر پایه چهارچوب نظری برگرفته از جهان‌بینی و ارزش‌های مقبول خویش اظهار داشته‌اند. در این زمینه، سیره عملی و گفتارها و آثار نوشتاری یک شخصیت مطرح صاحب‌نظر در صورت جامعیت و شمول نسبت به همه قلمروها و ساحت‌های علمی و تربیتی مشخصی که در تخصص و توان فکری و اندیشه آن شخصیت می‌گنجند، مکتب علمی ـ تربیتی او را شکل می‌دهد. به هر میزان که دیدگاه‌های ارائه شده، افزون بر جامعیت و همسویی، از اتقان و اعتبار و روایی بیشتری برخوردار باشد، مکتب حاصل از مجموع آن دیدگاه‌ها دارای اعتبار و اسناد و روایی بالاتری خواهد بود و به طریق اولی، اعتماد و اشتیاق بیشتری را به جانب خود جلب خواهد ساخت و از جنبه آموزشی ـ تربیتی آثار بیشتر و بهتری برجای خواهد گذشت.

گاهی یک مکتب نام و عنوان خود را از یک شخصیت برگزیده برداشت می‌کند و گاهی نام و عنوان آن از یک گروه و یا مکان و یا عرصه و زمان خاص گرفته شده است. برای نمونه، می‌توان به مکتب علمی ـ تربیتی *علامه طباطبائی* اشاره کرد که به‌مثابه یک منظومه فکری، سیمای تمام‌نمای سیره و آثار آن شخصیت و شاگردان ایشان را به تصویر می‌کشد. پیرو فرایندی از «تحلیل اکتشافی» (exploratory analysis)[1] روشن می‌گردد که در دایره فکر و اندیشه و سلوک تربیتی *علامه طباطبائی* شخصیت‌هایی همچون *شهید آیت‌الله مطهری*، *شهید آیت‌الله بهشتی*، *شهید آیت‌الله قدّوسی*، *آیت‌الله مصباح یزدی*، *آیت‌الله حسن‌زاده آملی*، *آیت‌الله جوادی آملی* و دیگران پرورش یافته‌اند که هرکدام به نوبه خود عضوی از مکتب وی به‌شمار می‌روند و افزون بر این، خود نیز با دانش و تربیتی که احراز کرده‌اند صاحب مکتب علمی ـ تربیتی مستقلی شده‌اند (ر.ک: رهنمایی، ۱۳۹۰، ص۲۹-۳۱). این چهره‌ها همان شخصیت‌هایی هستند که مقام معظّم رهبری از آنان به‌مثابهٔ عقبه نظری نظام یاد می‌کند:

> **مجموعه‌ای از متفکران، علما و سابقه‌دارها در امر دین عقبهٔ تئوریک نظام هستند و آن را تشکیل می‌دهند... الآن ما در حوزه قم علمایی داریم، بزرگانی داریم، صاحب‌نظرانی داریم، اندیشه‌پردازانی داریم،... خصوصاً ما شخصیت علمی ـ فکری روشنفکر برجسته‌ای مثل آقای مصباح یزدی را در قم داریم (حسینی خامنه‌ای، در دیدار مسئولان دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیهٔ قم، ۱۳۸٤/٦/۲۸).**

درمجموع، مکتب علمی ـ تربیتی *علامه مصباح یزدی* دارای مختصاتی چهارده‌گانه است ـ که عناوین آنها در ذیل خواهد آمد ـ و پس از بیان مطالبی در باب شخصیت‌شناسی ایشان، به‌تفصیل شرح داده خواهد شد:

۱) مسلک و مرام وجه‌اللهی؛ ۲) نگاه جهادی به فعالیت‌های آموزشی ـ تربیتی؛ ۳) تأکید بر تزکیه و خودپروری ارادی؛ ۴) طرح موضوعات حکیمانه و متعالی؛ ۵) رویکرد مؤثر اجتهادی ـ فقاهتی؛ ۶) تعلیم و

تربیت روشمند؛ ۷) ابعاد فراگیر دانش و رفتار؛ ۸) نظریه‌پردازی دقیق؛ ۹) ابتکار و نوآوری؛ ۱۰) انصاف و مروت در نقد و بررسی افکار؛ ۱۱) جبهه مقدم مبارزه با شبهات؛ ۱۲) نخبه‌پروری؛ ۱۳) ثبات و استواری؛ ۱۴) چشم‌اندازی متناسب با افق اعلای الهی.

لازم به ذکر است که توصیف مکتب *علامه مصباح* به دو وصف «علمی ـ تربیتی» به مفهوم مصطلح دانش و فعالیت مربوط به رشته و یا گروه خاص تعلیم و تربیت نیست. این دو وصف، فراتر از مفهوم مصطلح، نگاهی عام‌ترو فراگیرتر به موضوع تعلیم و تربیت دارد، به‌گونه‌ای که مختصات چنین مکتبی در ارتباط با دو شاخص اصلی، یکی شخصیت خود *علامه مصباح* و دیگری تمام آثار و مباحث و دیدگاه‌های ایشان در قلمرو فلسفه، عرفان، اخلاق، حقوق، سیاست، فرهنگ، جامعه و مانند آن قابل شناسایی است. به منظور پیشگیری از گستردگی مطالب فراتر از ظرفیت نشریات علمی، سعی شده است تحلیل مختصات مزبور به اختصار ارائه شود.

شاخص‌های مکتب علمی ـ تربیتی علامه مصباح یزدی

اول. شخصیت‌شناسی

افزودن نام *علامه مصباح* در ردیف واژگان کلیدی ایجاب می‌کند بحثی هرچند مختصر درباره شخصیت و برجستگی‌های علمی ایشان ارائه شود؛ کاری که پیشاپیش انجام پذیرفته است. شخصیت‌شناسی *علامه مصباح* کمک می‌کند تا مختصات و وجوه مکتب علمی ـ تربیتی ایشان روشن‌تر ارائه شود. البته ضرورتی به گزارش اظهارات همه بزرگان حوزوی و دانشگاهی در بزرگداشت نام ایشان نیست، لیکن با گذری بر اظهارات امامین انقلاب و *علامه طباطبائی* و دیگران، همچنین ثبات قدم *علامه مصباح* در رویارویی با انواع تهمت‌ها و برچسب‌های ناروا، به‌نظر می‌رسد لازم است با اثبات اعتبار علمی و سلوکی ایشان، شاهدی بر توانمندی‌ها و قابلیت‌های چنین شخصیتی در جهت تنظیم و تدوین مکتبی علمی ـ تربیتی منسوب به ایشان باشیم.

الف) اعتبار علامه مصباح در دید امام راحل﵀

بارقه‌ای از کلام امام راحل﵀ کافی است تا اعتماد آن بزرگوار را نسبت به شأن و منزلت والای شاگردش *علامه مصباح یزدی* به منصه ظهور رساند (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص۹۷-۹۹). برای تعیین جایگاه مکتب علمی ـ تربیتی *علامه مصباح یزدی* در نگاه *امام خمینی*﵀ کافی است به ذکر جمله معروفی اشاره کنیم که از فحوای کلام امام برمی‌آید که گواهی *علامه مصباح* بر امور در نزد ایشان ارزش دو گواهی را داشت. از این فحوا به واژه «ذو شهادتین» تعبیر شده است. در همین زمینه، بنا به گزارش گروه سیاسی خبرگزاری ***فارس***، در گفت‌وگو با *آیت‌الله علی‌اکبر مسعودی خمینی* (یکی از دوستان قدیمی *علامه مصباح* و

تولیت سابق حرم حضرت معصومه﵄ و عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، ازجمله نکات بارز در زندگی *آیت‌الله مصباح یزدی* را ارتباط وی با امام راحل و بزرگان انقلاب اسلامی برشمرد. *علامه مصباح* همواره مورد تأیید و حمایت علما و مراجع عظام تقلید بود. *آیت‌الله مسعودی خمینی* درخصوص نظر *امام خمینی*﵀ نسبت به *علامه مصباح یزدی* اظهار می‌دارد:

در اوایل نهضت و در حدود سال‌های ٤١، ٤٢ (چنانچه) شخصی از حضرت امام اجازه‌نامه می‌خواست، برای این مسئله می‌بایست که دو نفر شهادت می‌دادند و آن شخص را تأیید می‌کردند. ولی یک‌بار وقتی که آیت‌الله مصباح شهادت دادند، امام فرمودند: شهادت ایشان کافی است. این بدان‌معناست که ایشان نزد حضرت امام «ذوالشهادتین» بوده و شهادتش به‌جای دو شاهد پذیرفته می‌شده است (farsnews.ir/news/13991013000270)

این تعریف که درواقع حسن اعتماد بالای امام راحل به *علامه مصباح* را می‌رساند، مربوط به سال‌های جوانی علامه است. با گذر زمان و در اثر آن همه رشد و تعالی فکری و علمی و معنوی که برای *استاد مصباح* حاصل گشت، حسن اعتماد به ایشان در نظر بزرگان و به‌ویژه در دید مقام معظم رهبری به مراتب بیشتر و بالاتر رفته است. ذیل همین عنوان «ذو شهادتین»، مستند ذو شهادتین برای نخستین‌بار در یزد تولید و در تاریخ ۲۱ بهمن‌ماه ۱۳۹۹ رونمایی شد (https://www.mojnews.com/1399112136555). قبل از این نیز در سال ۱۳۹۸ کتابی توسط *محمدحسن روزی‌طلب* با عنوان ***ذوالشهادتین امام: برش‌هایی از خاطرات و روایت‌های تاریخی آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی*** منتشر گردید (روزی‌طلب، ۱۳۹۸).

ب) اعتبار علامه مصباح از نگاه مقام معظم رهبری

برخی از اظهارات و تعابیر بلند مقام معظم رهبری در معرفی شأن و منزلت علمی و معنوی و تربیتی *علامه مصباح* کافی است تا بر قابلیت‌های آن استاد در نظریه‌پردازی و تولید و گسترش دانش در حد و قواره یک مکتب علمی ـ تربیتی صحه بگذارد:

۱. جناب آقای مصباح که بنده نزدیک چهل سال است که ایشان را می‌شناسم و به ایشان ارادت دارم، ارادت قلبی دارم. من به ایشان؛ فقیه، فیلسوف، متفکر، صاحب‌نظر در مسائل اساسی اسلام. اگر خدای متعال به نسل کنونی ما این توفیق را نداد که از شخصیت‌هایی مثل مرحوم علامه طباطبائی یا مرحوم شهید مطهری استفاده کنند ـ اما بحمدالله ـ این شخصیت عزیز و عظیم خلأ آن عزیزان را پر می‌کنند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۸/٦/۱۲).

۲. امروز بزرگانی ـ بحمدالله ـ هستند از قبیل آقای مصباح و دیگران که واقعاً مبانی فکری اسلامی دست اینهاست. از اینها استفاده کنید (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۰/٤/٤).

۳. خوشبختانه یکی از موفقیت‌های آقای مصباح یزدی این است که ایشان برخلاف خیلی از فضلای ما که فضلشان در خودشان منحصر مانده، فضلش در شاگردان خوب سرریز شده است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۲/۱۳).

٤. خدا را شکرگزاریم که ـ بحمدالله ـ به جناب آقای مصباح که از چهره‌ها و شخصیت‌های برجسته و نادرالوجود روحانیون امروز ما هستند، این توفیق را داده که مجموعه‌ای از برادران را جمع کنند و آماده کنند برای کارهای

مهم و مسئولیت‌های حساس. بنده خود هم شخصاً از جناب ایشان تشکر و سپاسگزاری می‌کنم، به‌عنوان یک مسلمانی که از دیدن طلاب و فضلای آگاه و وارد و صاحب دانش و بینش خوشحال می‌شود و احساس خشنودی می‌کند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۲/۱۷).

۵. ما دو چهره بزرگ علمی را در این اواخر از دست دادیم: یکی شهید فخری‌زاده و دیگری آیة‌الله مصباح بود. هرکدام در منطقه خودشان و کار خودشان، و از هر دو هم میراث‌های ارزشمندی در دستگاهی که تحت نظرشان بود باقی مانده که بایستی با قوّت و ـ ان‌شاءالله ـ با بهترین وجهی ادامه پیدا کند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۱۰/۱۹).

از جنبه توانایی بالای علمی، تعابیری همچون «صاحب‌نظر در مسائل اساسی اسلام»، «جبران‌کننده خلأ *علامه طباطبائی* و *شهید مطهری*»، «در دست داشتن مبانی فکری اسلامی»؛ و از جنبه هنر و مهارت تربیتی، تعابیری همچون «سرریز شدن فضل استاد در شاگردان»، «تربیت مجموعه‌ای از طلاب و فضلای آگاه و وارد و صاحب دانش و بینش» و مانند آن همه بیانگر کمال برخورداری *علامه مصباح* از عناصر و ارکان تشکیل‌دهنده و هدایت‌کننده یک مکتب علمی ـ تربیتی است.

در بیان و قلم و اندیشهٔ *امام خامنه‌ای*، چنین تعابیر والایی که نشان از عظمت شأن علمی و نقش تربیتی استاد فقید دارد، درباره کمتر شخصیتی به‌کار رفته است. علاوه بر این، در پیام تسلیت ایشان به مناسبت رحلت استاد، شانزده ویژگی شخصیتی برای وی ذکر شده است که تبیین هرکدام ـ به نوبه خود ـ مجال بیشتری می‌طلبد. چنین اوصافی فراتر از نسبت‌ها و جایگاهی است که برای یک نظریه‌پرداز و یا یک مجتهد و یا یک مقام عالی‌رتبه علمی و اخلاقی و معنوی و یا حتی یک مرجع تقلید منظور می‌گردد. همین نگاه‌ها موجب می‌گردد ذهنیت انسان درخصوص انتساب یک مکتب علمی ـ تربیتی به *علامه مصباح یزدی* موجه باشد.

ج) اعتبار علامه مصباح از نگاه دو استاد برجسته ایشان

افزون بر تعریف و تمجید دو رهبر عظیم‌الشأن انقلاب از *علامه مصباح*، سخن استاد برجسته ایشان *علامه طباطبائی* مبنی بر اینکه «فکر او هیچ‌چیز دورانداختنی و زایدی ندارد» (اسلامی، ۱۳۸۲، ص۲۸۳)، همچنین اظهارات *آیة‌الله بهجت* در پاسخ به درخواست عده‌ای از ایشان برای برگزاری جلسه درس اخلاق، با این بیان که «*آقای مصباح* مورد تأیید من است؛ بروید از ایشان بخواهید و من هم از ایشان می‌خواهم که درس اخلاق را بیان کنند» (عربی، ۱۳۸۱، ص۷۰) و علاوه بر آن، مفاد توصیفات و تسلیت‌نامه‌های بزرگان، به‌ویژه مراجع عظام (ر.ک: فرهنگ پویا، ۱۳۹۹، ص۵–۷)، به اضافه وجود آثار نوشتاری و صوتی گسترده و تعداد فراوان شاگردان و فرهیختگان تربیت‌یافته آن استاد و سیره عملی وی شأن و منزلتش را بسیار بالاتر از یک نظریه‌پرداز در جایگاه یک صاحب مکتب به‌تصویر می‌کشاند. عناصر یادشده را می‌توان نشانی از قابلیت‌های بالای ایشان برای صاحب مکتب بودن برشمرد.

د) اعتبار علامه مصباح از نگاه دیگران

همان‌گونه که اشاره شد، پایگاه علمی ایشان می‌تواند شاخصی برای تدارک مکتب علمی ایشان به‌شمار رود. به‌رغم همه هجمه‌هایی که در طول چندین دهه متوالی و بی‌وقفه از جانب برخی نویسندگان و سخنرانان علیه شخص و شخصیت *علامه مصباح* به ظهور رسیده، کسی تا کنون نتوانسته است وزانت علمی ایشان را نادیده انگارد. توجه به مطالب ذیل نیز که توسط گروه سیاسی پایگاه اطلاع‌رسانی ***الف*** با عنوان «آیت‌الله مصباح؛ متنی فراتر از حاشیه‌ها» انتشار یافته، خالی از لطف نیست:

> **برخلاف زندگی سیاسی پربحث و حاشیه آیت‌الله مصباح، چه در قبل از انقلاب و چه در بعد از انقلاب، درباره شخصیت علمی و فکری او کمتر کسی ـ حتی از مخالفان سیاسی وی ـ مناقشه دارد. حضور وی در مناظرات فکری اول انقلاب و سپس جلسات مستمر بحث و نظر و همچنین تربیت شاگردان متعدد، از ایشان چهره‌ای بانفوذ و تأثیرگذار در نهادهای علمی و فرهنگی چهار دهه گذشته ساخته بود. با این‌حال، متأسفانه این وزانت علمی طی قریب به ۲۵ سال گذشته تحت‌الشعاع برخی رویکردهای سیاسی، هم از جانب موافقان او و هم از جانب مخالفانش قرار گرفت. مخالفان با اتکا به رویکرد فکری ایشان در فلسفه سیاست دینی و بی‌اعتنایی آیت‌الله مصباح به فلسفه‌های سیاسی غیر دینی و مدرن، وی را نماینده نوعی ارتجاع و طرفدار سرکوب مخالفان معرفی می‌کردند و با طرح مطالبی راست و ناراست، فکر سیاسی او را هیزم تبلیغات سیاسی خود کردند و برخی موافقان نیز با انتظار ورود مستقیم ایشان به معرکه‌گیری‌های سیاست به شکلی دیگر همین مسیر را طی کردند. و البته در این میان صراحت بیان نیز به‌عنوان ویژگی شخصیتی ایشان به این برداشت‌ها و انتظارات صرفاً سیاسی از این شخصیت علمی دامن زد (https://www.alef.ir/news/1399/1013105).**

در بررسی مطالب فوق، بیان این نکته لازم است که اولاً *علامه مصباح* فراتر از هیاهوهای سیاسی فکر و حرکت می‌کرد و متأثر از نگاه و خواست و پسند و ناپسند موافقان و مخالفان خویش نبود. ثانیاً، بیان صریح و گویای ایشان امتیاز بزرگی به‌شمار می‌آمد و نشان از آن داشت که تمام مواضع فکری و سیاسی او بر پایه ایمان راسخ و تردیدناپذیر استوار گردیده است. احوال شخصیتی *علامه مصباح* گواهی می‌دهد که ورودش به برخی مناقشات و معرکه‌های سیاسی همه از روی احساس و درک وظیفه‌مندی و بر پایه رسالتی است که خداوند بر دوش وی نهاده است.

از یک سو تعریف و تمجیدهای فاخر نسبت به مقام شامخ استاد، و از سوی دیگر اهانت‌ها و جسارت‌های حرمت‌شکن که نثار شخصیت ایشان می‌شد، نشان از میزان بالای تأثیرگذاری افکار و اندیشه‌های *علامه مصباح* دارد که دوستان را خاطرخواه ایشان و معاندان دگراندیش را در ستیز با او قرار می‌داد. به هر روی، میزان تأثیرگذاری تا این حد از دیگر نشانه‌های قابلیت بالای استاد برای انتساب مکتب به وی به‌شمار می‌رود. نظر به پراکندگی مواضع منتقدان و مخالفان و احیاناً معاندان *علامه مصباح* و نبود مجال کافی در نقل و نقد مواضع مزبور در این نوشتار، مجموعه‌ای از اظهارات این سه گروه در تصویر ذیل جمع‌بندی و ارائه می‌گردد تا هم به نکاتی از این قبیل موضع‌گیری‌ها اشاره شده باشد و هم از پراکنده‌گویی اجتناب گردد:



تصویر ۱: تهمت‌ها، اهانت‌ها و هجمه‌های ناروا علیه علامه مصباح یزدی

در برابر چنین هجمه‌هایی، غیر از پاسخ‌های روشن که از مجموعه آثار مکتوب و سخنرانی‌های روشنگرانه *علامه مصباح* به‌دست می‌آید (ر.ک: رهنمایی، ۱۴۰۰، رسا، ۱۷ دی ۱۳۹۹، کد مطلب: ۶۷۲۱۵۲؛ *جهان نیوز*، ۲۲ آبان ۱۳۹۷، کد مطلب: ۶۵۱۷۳۲؛ صنعتی، ۱۳۸۹، ص۱۶۸)، برخی از اهالی قلم و تشکل‌های فرهنگی و سیاسی واکنش‌هایی جدی و پاسخ‌هایی مناسب ارائه داده‌اند که از باب نمونه، به واکنش تعداد ۲۱ دفتر از دفاتر «جامعه اسلامی دانشجویان» سراسر کشور می‌توان اشاره کرد. در بخشی از بیانیهٔ مشترک این تشکل‌ها در پاسخ به اهانت‌های ناروا به ساحت ایشان چنین آمده است:

> **امروز ساحت عالمی را حرمت دریده‌اند که ولیّ امر زمان در توصیفش وی را دارای زبان گویا در اظهار حق و پای بااستقامت در صراط مستقیم معرفی کرده و ایشان را از وجودهای مغتنم زمان و منبع فکر و اندیشه بی‌غل و غش معارف اسلامی می‌دانند؛ مردی که آیةالله شیخ عیسی قاسم درباره‌شان فرمودند: «دین اسلام دارای مردان و ستون‌های بزرگی است که آیةالله مصباح ازجمله آنهاست (farsnews.ir/news/14000416000844).**

اما چرا چنین برداشت‌هایی خلاف واقع نُقل روزنامه‌ها و شبکه‌های مجازی می‌گردد؟ پاسخ را می‌توان از سخن مقام معظم رهبری دریافت کرد:

وقتی یک نفری مثل جناب آقای مصباح که حقیقتاً این شخصیت عزیز جزو شخصیت‌هایی است که همه دلسوزان اسلام و معارف بایستی از اعماق دل قدردان و سپاسگزار این مرد عزیز باشند... حرف رسا و نافذ و منطق قوی و مستحکم هر جایی که باشد دشمن آنجا را زود تشخیص می‌دهد؛ چون حسابگر است آنجا را می‌شناسد و می‌آید به مقابله‌اش (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۶/۱۰).[۲]

دوباره یادآوری می‌شود آنچه درباره شخصیت *علامه مصباح* بیان شد می‌تواند به‌مثابه شاخصی از قابلیت‌های بالای ایشان در جهت تنظیم و تدوین و انتساب مکتبی علمی ـ تربیتی به نام و اعتبار ایشان تلقی گردد.

دوم. آثار علمی

هر مکتبی را ـ خواه الهی باشد یا سکولار، توحیدی باشد یا تکثرگرا ـ می‌توان علاوه بر اعتبار شخصیتی پدیدآورنده آن، با مختصات درونی آثار صاحب آن مکتب شناسایی و معرفی کرد. هرچند در این مقاله مجالی برای بررسی آثار *علامه مصباح* وجود ندارد، لیکن با مروری بر آثار مکتوب و سخنرانی‌های ایشان، در چهار ساحت اخلاقی ـ معنوی؛ معارفی ـ قرآنی؛ فرهنگی ـ اجتماعی؛ و فلسفی ـ عرفانی، می‌توان به توصیف یک مکتب علمی ـ تربیتی منتسب به وی با جایگاه و ویژگی‌های چهارده‌گانه پیش‌رو پرداخت. آنچه در اینجا ارائه می‌شود نتیجه مطالعه چندین اثر منتخب از هریک از ساحت‌های چهارگانه و نیز تدریس برخی از آن آثار است:

۱. مسلک و مرام وجه‌اللهی

همه امور برای خدا؛ خواسته‌های هرمی.

سه‌گانه آموختن برای خدا؛ آموزش دادن به دیگران برای خدا؛ و عمل به دانسته‌ها برای خدا[۳] (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۱، ص۳۵)، همواره وجهه نظر علامه مصباح قرار داشت و بدین منوال، خداگرایی و خدابینی کلیدواژه اساسی مطرح در منش و سیرت و خلق و خوی ایشان بود. *استاد مصباح* ضمن تبیین هرم سه بعدی روان انسان مشتمل بر «بعد آگاهی و شناخت نفس»، «بعد قدرت»؛ و «بعد محبّت»، جهت‌گیری هر سه بعد را به سوی خداوند دانسته، اظهار می‌دارد:

عشق به خدا و پرستش او نیز جزء گرایش‌های فطری انسان است که ریشه در ذات نفس دارد... بنابراین، علم و قدرت و محبت در عین اینکه ابعاد نفس انسان هستند، از همان اول به‌طور فطری ـ هرچند به شکل ضعیف ـ جهت نامحدودی را نشان می‌دهند و ارتباطی با خدای متعال دارند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱الف، ج۲، ص۳۳).

علامه مصباح افزون بر این، طی یک سخنرانی در پاسخ به این سؤال ویژه که آیا خواسته‌های انسان هرمی است یا مکعبی؟ بیان می‌دارد:

خواسته‌های برخی از افراد دارای سیستمی است و شبیه یک هرم است. در مجموعه خواسته‌های این افراد خواسته‌های پهن و گسترده‌ای وجود دارد که در قاعده این هرم است. این خواسته‌ها شامل تأمین زندگی، تربیت فرزند، رسیدگی به همسر، مسائل امنیت داخلی و... می‌شود. این خواسته‌ها در سطح بالاتری جمع‌تر می‌شود و تا به رأس هرم می‌رسد که یک نقطه است و آن نقطه تعیین کننده همه خواسته‌های آن‌هاست. اما کسان دیگری نیز وجود دارند که فکرشان مانند مکعب است که البته این مکعب نیز ممکن است چند رُویه داشته باشد. در این رویکرد چند چیز در کنار هم برای این افراد هدف است و هیچ‌گاه نیز به یک هدف و یک نقطه نمی‌رسند. اگر ما این مسئله را درست تصور کنیم و بدانیم همه فعالیت‌هایمان باید به شکل یک هرم در یک نقطه متمرکز شود و سعی کنیم زندگی‌مان را بر همین اساس تنظیم کنیم، راه درست را در پیش گرفته‌ایم؛ یعنی باید اگر حرفی می‌زنیم یا سکوت می‌کنیم، اگر کاری انجام می‌دهیم و یا اگر رأیی می‌دهیم، همه برای خدا باشد و نه غیر آن. هر اندازه انسان کارهایش فقط برای خدا باشد، مقامش نزد خدا بالاتر می‌رود و هر قدر برخلاف این باشد، مقامش تنزل یافته تا جایی که از چهارپایان نیز بدتر می‌شود. فقط برای خدا! (مصباح یزدی، ۱۳۹۷/۵/۲۵).

۲. نگاه جهادی به فعالیت‌های آموزشی ـ تربیتی

سامان‌دهی جبهه‌ای فرهنگی در مسیر کسب علم و معرفت و ادب و تربیت

کلام *استاد مصباح* در راستای درس خواندن جهادی، تحقیق جهادی، تدریس جهادی بسیار روشن است، آنجا که فرموده است:

بر همه روحانیان، مبلّغان، استادان، معلّمان و تمامِ مسئولانِ فرهنگیِ کشور لازم است که در برابر تهاجمِ بی امانِ فرهنگی به دفاعِ جانانه از مرزهای عقیدتی و فرهنگی اسلام بشتابند و بدانند جهادی که امروز بر همه ما واجب است، نه جهادی نظامی که جهادی فرهنگی است. سلاح کارآمدِ امروز نیز نه سلاح نظامی، که سلاحِ فرهنگی است. باید همه باور کنیم که با جنگی به مراتب خطرناک‌تر از جنگ هشت ساله مواجهیم. در آن جنگ، هدف اشغال چند وجب از خاک ما بود؛ اما در این جنگ، هدف نابودی ایمان ماست. به اندازه اهمیت ایمان در مقایسه با خاک، این جنگ فرهنگی مهم‌تر و خطیرتر از آن جنگ نظامی است.... جبهه حق باید با تمام توان، با سلاح علم و معرفت و منطقِ درست، به مقابله با حزب شیطان بشتابد. هرگز جای آن نیست که در مبارزه با هجوم بی‌امان امواج گمراهی و فساد، به حرکت‌هایی آرام و مورچه‌وار یا به فعالیت‌هایی سطحی و مقطعی دل خوش کنیم (مصباح یزدی، ۱۳۸٤، ص۲۱۲-۲۱۳).

نمونه تدریس با رویکرد جهادی: اولین دوره آموزشی کوتاه مدت پس از پیروزی انقلاب اسلامی که علامه مصباح ارائه نمود، دوره «پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک» بود که بهار ۱۳۵۹ در «مؤسسه در راه حق» برگزار گردید. واژگان «پاسداری» و «سنگرها» نه‌تنها روحیه و نگرش جهادی ایشان را مجسم می‌کرد، بلکه موجب می‌شد کلاس درس نیز حس و حال جهادی پیدا کند.

۳. تأکید بر تزکیه و خودپروری ارادی

از منظر *علامه مصباح*، برجسته‌ترین نقش مربی خودساخته‌ای که درصدد تزکیه متربیان است این است که زمینه‌های مناسبی فراهم آورد تا آنان با اراده و اختیار خود در جهتِ نیل به کمالات انسانی تلاش کنند.

«اراده» فعل خود انسان است و کسی نمی‌تواند آن را در انسان ایجاد کند، اما مربی می‌تواند مقدماتی را فراهم کند که توجه متربی به خوبی‌ها و کمالات معطوف گردد و به اراده کردن آنها تشویق شود. به‌عبارت دیگر، انسان همان‌گونه که می‌تواند «خودآموز» و «خودتعلیم» باشد، می‌تواند «خودپرور» و «خودتزکیه» نیز باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۹، ص۲۲-۲۴).

۴. طرح موضوعات حکیمانه و متعالی

بیان معارف الهی در دو ساحت حکمت نظری و حکمت عملی

علامه مصباح حکمت را نور باطن می‌دانست و اظهار می‌داشت: «برای اینکه دل نورانی گردد، باید تحصیل حکمت نماید؛ یعنی حالت دیگر قلب که مطلوب است، نورانیت آن می‌باشد که به حکمت تحصیل می‌شود. پس قلب، هم باید محکم و مستحکم و هم نورانی باشد. هر دو حالت در نظر گرفته شده برای قلب ضروری است» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ب، ص۶۵).

شرط موفقیت در انجام وظیفه از نظر ایشان ورود به عرصه حکمت عملی و بسنده نکردن به حکمت نظری است. چنانچه شخص راه روشن و حکمت عملی نداشته باشد، هرچند اعتقاداتش محکم باشد و قلب قوی داشته باشد، ولی چون نمی‌داند چه رفتارهایی را باید انجام دهد و چه صفاتی را باید کسب نماید، راه به جایی نمی‌برد (همان).

قلب انسان براساس رهنمودهای معصومان﵈ با رسیدن به مقام «یقین» نیرومند، و با حکمت عملی منور می‌گردد (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ص۵۲۰، ن۳۱). «البته سخنان اهل‌بیت﵈ ژرفایی بی‌منتها دارد که عقل انسان از درک عمق آن قاصر است و با احتمال‌هایی که به ذهن می‌آید، باید سعی کنیم از انوار کلمات ائمه اطهار﵈ بیشتر استفاده کنیم» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ب، ص۶۶).

درمجموع، معارف راستین و یقینی به قلب نیرو می‌بخشند و عمل به مفاد آن معارف و انجام امور شایسته قلب را نورانی می‌سازد تا پیمودن راه درست به‌طور آگاهانه برای انسان میسر شود (ر.ک: همان).

۵. رویکرد مؤثر اجتهادی ـ فقاهتی

اجتهاد جامع همراه با توانمندی بالا در استنباط فروع از مبانی و اصول

در تجزیه و تحلیل موضوعات و مسائل، حتی مسائل روزمره و جدید فرهنگی و سیاسی و اجتماعی و احیاناً جریان‌شناختی، دأب *علامه مصباح* چنین بود که برای استنباط و استنتاج دقیق، مجتهدانه به آیات و روایات معصومان﵈ استناد می‌کرد. آثار مکتوب و سخنرانی‌های ایشان گواه است که چگونه از روی اجتهاد و با رعایت تمام‌عیار تناسب مابین حکم و موضوع، فروع را از اصول و اصول را از مبانی استنباط و استخراج می‌نمود تا به نتیجه قطعی و اطمینان‌آور دست یابد. *علامه مصباح* در تبیین علل پیروی از عالمان و مراجع در عصر غیبت چنین می‌گوید:

هر روایت را باید از نظر سند، حیثیت صدور، جهت صدور، اطلاق و تقیید، عام و خاص و موارد دیگر سنجید. گاهی روایتی مخصّصِ روایت دیگری است. گاهی روایتی مجمل است و به مبیّن نیاز دارد. گاهی بین روایات تعارض پیدا می‌شود. در این موارد باید به کسانی مراجعه کرد که فقیه باشند و در این مسائل تخصص داشته، بتوانند اجتهاد کنند. اجتهاد برای این است که در فهم روایات، موارد شبهه‌ای پیش می‌آید و روشن نیست که منظور امام﵇ چه بوده است. بعضی رفتارهایی که از اهل‌بیت﵈ می‌شنویم، روشن است و به اجتهاد نیاز ندارد؛ اما مواردی هست که به اجتهاد نیاز دارد و تشخیص آن کار فقیه است. بنابراین، همان‌طور که استفاده از گفتارهای اهل بیت﵈ در بسیاری از موارد، به اجتهاد نیاز دارد، در مواردی اسوه‌پذیری از رفتارهای آنها نیز به اجتهاد نیازمند است. فقیه اسلام‌شناس باید معرفی کند که شما در چه وضعی باید از آن رفتار پیروی کنید (مصباح یزدی، ۱۳۸٤، ص۷۳).

۶. تعلیم و تربیت روشمند

کاربست منضبط با تلفیقی از روش‌های استنتاجی ـ استنباطی ـ اکتشافی، افزون بر بهره‌برداری از روش الگویی و تجربی و اندوخته‌ها و تجارب مفید دیگران

از میان آثار *علامه مصباح یزدی* کافی است به برخی آثار از مجموعه آثار ماندگار ایشان از منظر روشمندی توجه کنیم. برای نمونه، به ***معارف قرآن*** در قلمروهای گوناگون حکمی و اعتقادی و انسانی و رفتاری و اخلاقی بنگرید و یا دو اثر ***آموزش عقاید*** و ***آموزش فلسفه*** و یا سایر آثار را در نظر بگیرید. همه مطالب در این آثار به‌گونه‌ای هماهنگ، همچون دانه‌های تسبیح مترتب بر یکدیگر تنظیم و ارائه گردیده است، به‌گونه‌ای که خواننده با هیچ مطلب و یا کلام نامرتبط و یا زاید در لابه‌لای سطور مواجه نمی‌شود و هر فراز و هر جمله و حتی هر عبارت کوتاه یا بلند جایگاه خاص خود را دارد. در روش استاد، مباحث نوعاً از اعم به عام و از عام به خاص و از خاص به اخص در جریان است و سرانجام بحث از هر مطلبی به صورت «توصیفی ـ تحلیلی» و با تکیه بر روش «استنتاجی» و یا روش «اکتشافی» به پایان می‌رسد و یا سرآغازی برای طرح بحث جدیدی قرار می‌گیرد. برخی از آثار ایشان همچون ***سیمای پیامبر اعظمﷺ در آینه نهج‌البلاغه***، ***سیرهٔ معصومان﵈***، ***سیری در ساحل: بینش و منش امام خمینی﵀***، ***تماشای فرزانگی و فروزندگی*** در بیان ابعاد شخصیتی *علامه طباطبائی* و ***خاطرات آیة‌الله مصباح از آیة‌الله العظمی بهجت*** و ***آفتاب مطهر (زندگی، اندیشه و خدمات علمی و فرهنگی علامه شهید آیة‌الله مرتضی مطهری*** با تمرکز بر روش «روایی ـ الگویی» تدوین و تألیف یافته است.

۷. ابعاد فراگیر دانش و رفتار

ابعاد گسترده و گوناگون فقهی، فلسفی، اخلاقی، حقوقی، سیاسی و مانند آن

آثار معرفت‌آموز و دانش‌افروز *علامه مصباح* دایره وسیعی از معارف را دربر گرفته است. ایشان متخصصانه نسبت به همه ابعاد این دایره نظر می‌دهد. فراوانی همراه با تنوع آثار وی در قلمروهای گوناگون معارف قرآن، مباحث معنوی و اخلاقی، تحقیقات فلسفی و کلامی، اعتقادات، علوم انسانی، گفتارها و نوشتارهای تخصصی و احیاناً

انتقادی، همچنین مجموعه مطالب فرهنگی و سیاسی، هریک به نحوی انسان را با مجموعه‌ای از حقایق آشنا می‌سازد و بر دانش انسان می‌افزاید.

۸. نظریه‌پردازی دقیق

نظریه‌پردازی در چهارچوب جهان‌بینی اسلامی و با تحفظ بر سلسله باورها و ارزش‌ها

در چهارچوب جهان‌بینی اسلامی و با ملاحظه سلسله باورها و ارزش‌ها و با استفاده از رویکرد «توصیفی ـ تحلیلی» استاد در چندین زمینه، به‌ویژه در حوزه سیاست، حقوق، اخلاق، جامعه و تاریخ به‌طور دقیق و خدشه‌ناپذیر و با استفاده از روش اجتهادی استنباط فروع از اصول، مبتنی بر سلسله باورها و ارزش‌های ناب سیاسی، حقوقی، اخلاقی، اجتماعی و تاریخی از منظر اسلامی نظریه‌پردازی کرده است.

۹. ابتکار و نوآوری

برنامه‌ریزی بر پایه بینش و نگرش عمقی و ریشه‌دار منتهی به ایجاد اندیشه بدیع و عمل مبتکرانه

تاریخ حوزه‌های علمیه در سده اخیر، گواه است که اولین نوآوری آموزشی و برنامه درسی در قلمرو معارف قرآن و علوم انسانی به پشتوانه آن معارف به ابتکار *استاد مصباح* در حوزه علمیهٔ قم تحقق یافت. این حرکت نوپای علمی با حمایت بی‌دریغ *امام خمینی*ﷺ از بخش آموزش «مؤسسه در راه حق» آغاز شد و در میانه راه به تأسیس «بنیاد فرهنگی باقرالعلوم﵇» انجامید و سرانجام با تأسیس «مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی﵀» ارتقا یافت (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص۱۱۱-۱۱۳).

> **در این نظام آموزشی، کسانی باید وارد شوند که چند سال دروس دینی را خوانده باشند و نیز در طول تحصیلشان، سال‌ها دروس حوزه را ادامه دهند، و از طرف دیگر در بین درس‌هایشان هم دروس دینی از قبیل معارف قرآن، اعتقادات اسلامی و چیزهایی از این قبیل باید وجود داشته باشد، و در کنار اینها مطالبی که معمولاً در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود نیز خوانده می‌شود... برنامه آموزشی باید جوری تنظیم شود که علاوه بر اینکه اسلام خوب آموزش داده می‌شود، رقیبان اسلام و کسانی که افکار غیراسلامی را به جای نظریات اسلام مطرح می‌کنند، شناخته شوند و افراد توانایی اثبات برتری نظریات اسلامی بر نظریات غیراسلامی را پیدا کنند** (https://mesbahyazdi.ir/node/343).

۱۰. انصاف و مروت در نقد و بررسی افکار

مواجهه منصافانه با تأکید بر مراعات حقوق اشخاص و نظریات و دیدگاه‌های قابل ارزیابی و انتقاد با کمال دقت

مواجهه منصافانه با افکار و اندیشه‌ها با تأکید بر مراعات حقوق اشخاص و نظریات و دیدگاه‌های قابل ارزیابی و انتقاد با کمال دقت و ادب و انصاف، از ویژگی‌های برجسته در سیره *علامه مصباح* در نقد و بررسی اندیشه‌هاست. درواقع استاد در مقام نقد و بررسی، افکار و اندیشه‌ها را هدف قرار می‌داد و نه افراد و اشخاص و شخصیت‌ها را. این رویکرد می‌توانست به دو دلیل باشد: اولاً، چنانچه پشت آن افکار افراد

منحرف و سست عقیده‌ای باشند، ذکر نام آنان موجب اعتبار ایشان می‌شد و از نقد دیدگاه نادرستشان کسب اعتبار می‌کردند. ثانیاً، چنانچه صاحبان افکار و اندیشه‌های در معرض نقد ازجمله صاحب‌نظران ممتاز و معتبر باشند، بسا که نقد افکارشان همراه نامشان موجب وهن و بی‌احترامی به آنان شود. شاید این توجیهی برای صرف‌نظر کردن از اظهار نام اشخاص تلقی گردد.

۱۱. جبهه مقدّم مبارزه با شبهات

تجزیه و تحلیل شبهات با تمرکز بیشتر بر شبهات اعتقادی، فرهنگی، علمی و سیاسی به‌منظور کشف و به‌کارگیری راه‌های رویارویی اصولی‌تر و مؤثرتر با شبهه‌ها و شبهه‌افکنان

علامه مصباح برحسب دغدغه‌مندی نسبت به پاسخ شبهات، خود را موظف می‌دانست با حضور فعال و فداکارانه در جبهه مقدم مبارزه با شبهات قرار گیرد و به‌رغم اینکه همواره در تیررس انواع تهمت‌ها و آماج بسیاری از اهانت‌ها از طرف منحرفان و شبهه‌افکنان بود، تزلزلی به دل راه نمی‌داد. تجزیه و تحلیل شبهات به‌منظور کشف و به‌کارگیری راه‌های رویارویی اصولی‌تر و مؤثرتر با شبهه‌ها و شبهه‌افکنان ازجمله مهارت‌های مهمی تلقی می‌شد که *علامه مصباح* از آن برخوردار بود. ایشان نخست شبهه را به‌خوبی می‌پروراند، سپس با بیان روان و ساده و قابل فهم به شیوه استدلالی و احیاناً تمثیلی درصدد حل و رفع شبهه برمی‌آمد.

در جدول پیش‌رو به اختصار، برخی از موضوعاتی که استاد در آن به طرح و رفع شبهه پرداخته و بر اهمیت شبهه‌زدایی تأکید ورزیده ذکر شده است:

ردیف	قلمرو	موضوع مورد نظر	مأخذ
۱	فلسفه اخلاق	اصالت ارزش‌های اخلاقی	فلسفه اخلاق، ۱۳۹۱، ص۱۲۲-۱۲۵
۲	قرآن‌شناسی	ترفندهای مخالفان قرآن در منحرف ساختن مردم	قرآن در نهج‌البلاغه، ۱۳۸۰، ص۸٤-۱۱۹
۳	بزرگداشت عاشورای حسینی	لزوم گرامیداشت حادثه عاشورا	آذرخشی دیگر از آسمان کربلا، ۱۳۸۲، ص۱۱، ۳۱، ۷۲، ۱۱٤، ۲۰٦، ۲۱۸-۲۲۰
٤	عقاید دینی و نظام اسلامی	مبارزه با ترفندهای دشمنان	آفتاب مطهر، ۱۳۹۱، ص۲۰٤
٥	اعتقادات دینی	مبارزه با امواج التقاطی	آفتاب مطهر، ۱۳۹۱، ص۲۰۹
٦	باورها و ارزش‌های الهی	شبهات جدید در ذهن جوانان	آفتاب ولایت، ۱۳۸٤، ص۲۱٤
۷	کلام و عقاید اسلامی	تلاش مضاعف در پاسخ به شبهات	آموزش فلسفه، ۱۳۹۸، ج۱، ص۳٤
۸	شناخت‌شناسی	تلاش‌های فلسفی برای دفع شبهات الحادی	آموزش فلسفه، ۱۳۹۸، ج۱، ص۱۱٤۰، ۱۵۰، ۱۵٦-۱۵۸
۹	معادباوری	شیوه‌های قرآن در بررسی معاد	انسان‌شناسی در قرآن، ۱۳۹۲، ص۱۹۱، ۱۹۵، ۲۰٤، ۲۱۰
۱۰	ولایت فقیه	تقویت باور جوانان به ولایت فقیه	انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ۱۳۹۲، ص۱۸۷

۱۲. نخبه‌پروری

تشویق افراد مستعد همراه با تقویت ظرفیت‌ها و خلاقیت‌های آنان در مسیر نیل به جایگاه استادی

سلوک علمی و تدریسی *استاد مصباح* برخلاف رویه رایج شاگردپروری، بر استادپروری مبتنی بود. ایشان هرگز راضی نمی‌شد شاگردان و متربیانش در سطح شاگردی متوقف گردند. این سیره مستمر استاد بود که حتی اندک علم و فرهیختگی در وجود افراد، به‌ویژه در شاگردان خود را ارج می‌نهاد و آشکارا به آن بها می‌داد. ایشان ضمن درک قابلیت‌های افراد، با کمال تواضع، همیشه مشوق افراد مستعدی بود که با برخورداری از زمینه‌های رشد و تعالی و با تقویت ظرفیت‌ها و خلاقیت‌هایشان می‌توانستند در مسیر نیل به جایگاه فرهیختگی و نخبگی گام بردارند و مقام استادی را احراز کنند.

۱۳. ثبات و استواری

استقامت بر مبانی و اصول و باورها و ارزش‌های تغییرناپذیر و ماندگار الهی از آغاز تا فرجام

یکی دیگر از برجستگی‌های شخصیتی استاد به‌شمار می‌رود. با مطالعه آثار *استاد مصباح* می‌توان متوجه انسجام و هماهنگی حاکم بر فضای اندیشه و دانش ایشان شد. این انسجام و هماهنگی برایند باورها و ارزش‌های برگرفته از جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلامی، همچنین متناسب با فکر و اندیشه منسجم و هماهنگ ایشان بود. در اثر همین ویژگی بود که تحولات جاری هیچ تزلزل و ناهماهنگی در وجود استاد و افکار و اندیشه‌های وی ایجاد نمی‌کرد. ویژگی مزبور نشان از ثبات و استواری آغاز تا فرجام فکری هر فردی دارد که از آن برخودار است.

۱۴. چشم‌اندازی متناسب با افق اعلای الهی

تمرکز بر رسیدن و رساندن دیگران به قله کمال نهایی و مقام قرب الهی

استاد مصباح با استناد به آیه «یا اَیُّهَا الانْسانُ اِنَّکَ کادِحٌ اِلی رَبِّکَ کَدْحاً فَمُلاقیهِ» (انشقاق: ۶)، بیان می‌دارد:

> **از آیه فوق می‌توان استشعار کرد که حقیقت وجود نفس و روان انسان، «کدح» و تلاش و پویش است و انسان موظف است این حرکت را جهت دهد و در مسیر صحیح هدایت کند. به‌عبارتی روشن‌تر، از آیه فوق می‌توان دریافت که اصل حرکت و تلاش و سیر به سوی رب، امری قطعی و جبری است که خواه و ناخواه انجام می‌شود و انسان بخواهد یا نخواهد قیامت را درک می‌کند و به ملاقات ربش نائل می‌آید. اما جهت‌دهی این حرکت جبری، امری است اختیاری. از این‌روی، در آیه دو نوع هدف برای این حرکت ذکر شده: یکی هدف اصل حرکت که خواه و ناخواه انجام می‌شود و نهایتاً انسان ربّ خود را ملاقات خواهد کرد؛ یعنی اصل ملاقات. دوم کیفیت ملاقات است که اگر انسان برای این حرکت جبری جهت درستی انتخاب کرده باشد ملاقاتش با پروردگارش به‌گونه‌ای است که خشنودی وی را به همراه دارد و خرسند و سربلند خواهد بود، و اگر در حرکتش جهت صحیحی را دنبال نکرده باشد تلخ و ناگوار است و موجب تلخکامی وی می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱الف، ص۳۵-۳۶).**

علامه مصباح سپس در ادامه با اشاره به حرکت تکاملی نفس انسان و جذب و انجذاب مابین نفس و خداوند، چنین بیان می‌دارد:

وقتی حرکت نفس را نسبت به هدف آن می‌سنجیم، خواهیم دید که از یک‌سو انجذابی است به‌سوی خدا؛ یعنی درواقع هدف است که او را به طرف خود می‌کشد؛ خداست که انسان را سیر می‌دهد به طرف خودش. و از سوی دیگر، حرکتی است که نفس انجام می‌دهد. به‌عنوان ـ باز هم ـ تشبیه معقول به محسوس، مثل جاذبه میان آهن و آهنربا است. وقتی آهن را نگاه می‌کنیم، می‌بینیم سیر می‌کند به طرف آهن‌ربا، و هنگامی‌که آهنربا را مورد توجه قرار می‌دهیم ملاحظه می‌کنیم آهن را به طرف خود می‌کشد و جذب می‌کند.

بین نفس و مبدأ هستی نیز چنین جذب و انجذاب و سیر و حرکتی ـ هرچند نه آنچنان جذب و انجذاب کور و تاریک، بلکه بسیار متفاوت با آن ـ در ذات و نهاد نفس وجود دارد که البته در آغاز کاملاً روشن و آگاهانه نیست، ولی با تکامل نفس تدریجاً به صورتی آگاهانه برای خود انسان روشن و آشکار می‌شود (همان، ص۳۶).

در هر صورت، از منظر قرآن و روایات، مرتبه اعلای قرب الهی بالاترین مقام عالی انسانی است که دستیابی به آن انسان را از غیر خدا می‌رهاند و به مراتب متعالی نور الهی می‌رساند. بنا به تفسیر *علامه مصباح*، در «مناجات شعبانیه» از چنین موقعیتی با اصطلاح «انقطاع الی الله» یاد شده است که بنده به دربار الهی پناه برده، عرضه می‌دارد: «اِلهی هَبْ لی کَمالَ الانْقِطاعِ اِلَیْکَ»؛ بارالها! کمال بریدن (از اغیار و پیوستن) به خودت را ارزانی من فرما.

اگر انسان به این مرحله از کمال دست یابد و توجهات قلبی‌اش تنها در ساحت قدس الهی متمرکز شود، اینجا است که انوار بهیّهٔ الهی بر دل آدمی می‌تابد و او را از مراتب پست دنیوی به بالاترین مقامات عالی انسانی که همان مراتب اعلای قرب ربوبی است، می‌کشاند.

دیگر عبادت را با رنج و مشقت انجام نمی‌دهد، بلکه آن را عرض ادب به پیشگاه محبوبی عزیزتر از جان خویش می‌داند و آنچنان از آن لذت می‌برد و در این لذت غرق می‌شود که همه لذت‌های دنیا را از یاد می‌برد... نیل به چنین مقامی انسان را به آنجا می‌رساند که ترک لذیذترین گناهان نیز برایش بسیار سهل می‌گردد (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص۲۴۶-۲۴۷).

نتیجه‌گیری

اهمیت و ارزش هر مکتب علمی ـ تربیتی به عناصر درون آن مکتب، به‌ویژه شخصیت پدیدآور و آثار پدیدآمده وابسته است. با عنایت به این نگرش، علاوه بر اعتبار شخصیت *علامه مصباح* نزد بزرگان علم و ادب و معرفت، ورود تخصصی و جامع ایشان به موضوعات و عناوین مهم و ساختارمند معارفی و ازجمله طرح بحث از علوم انسانی به پشتوانه معارف قرآن، یک گزینه استثنایی و یک ابتکار و نوآوری خلّاقانه در کارنامه علمی و سیره عملی ایشان به‌شمار می‌رود؛ بحثی که پیشینه‌ای برای آن سراغ نداریم. در اثر چنین ابتکاری، علوم انسانی را می‌توان از انحصار چندین دهه سلطه رویکرد غربی و سکولار خارج ساخت و در جایگاه مناسب خود، زیر چتر معارف قرآن قرار داد. موضوعات بااهمیتی همچون خودشناسی و خودسازی، حکمت و فلسفه و عرفان، اعتقادات دینی و مذهبی، معارف قرآن در قلمروهای هستی‌شناسی، کیهان‌شناسی، خداشناسی، قرآن‌شناسی، معرفت‌شناسی، راه و راهنماشناسی، انسان‌شناسی، انسان‌سازی، همچنین طرح مسائل فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و مانند آن ـ همه ـ ازجمله معارفی

است که براساس آن باید *علامه مصباح* و مکتب علمی ـ تربیتی منتسب به ایشان را عقبهٔ نظری نظام معرفی کرد؛ همان‌گونه که مقام معظم رهبری بیان نمود.

افزون بر این، در چهارچوب یک مکتب علمی ـ تربیتی، هرچه انگیزه‌ها برای خدا خالص‌تر و نگاه جهادی به کسب دانش و ادب نافذتر و عزم بر تزکیه جزم‌تر و موضوع علم فاخرتر و فهم مسائل علمی اجتهادی‌تر و فعالیت‌های اجتهادی روشمندتر و شمول بحث گسترده‌تر و ارائه نظریه دقیق‌تر و در نوآوری و ابتکار عمل صائب‌تر و در جایگاه نقد و بررسی اندیشه‌ها منصافانه‌تر و در مقام شبهه‌زدایی جدی‌تر و در فرایند استادپروری مصمم‌تر و بر صراط مستقیم پایدارتر و در مسیر نیل به سعادت مؤثرتر و در تعیین چشم‌انداز فعالیت‌های آموزشی ـ تربیتی متعالی‌تر به نظر رسد، آن مکتب از جنبه نظری مستحکم‌تر و متقن‌تر، و از جنبه عملی کارآمدتر و صاحبش از هر حیث شایسته‌تر و برگزیده‌تر خواهد بود. این‌همه ازجمله مختصاتی است که در تبیین مکتب تربیتی *علامه مصباح* بر پایه دو شاخص اعتبار شخصیتی و آثار ایشان ارائه گردید.

پی‌نوشت‌ها

۱. «اکتشاف» در برابر «اکتساب» به مفهوم کشف از درون، به جای کسب از بیرون است. هنگامی که پژوهشگر در جایگاه شناخت یک پدیده، به جای استناد به منابع و عوامل و عناصر بیرون از آن پدیده، توجه خویش را به کشف و شناسایی پدیده از درون آن معطوف می‌دارد، در واقع از تحلیل اکتشافی استفاده کرده است. تحلیل اکتشافی افزون بر کاربرد در پژوهش‌های میدانی و آماری، در قلمرو مطالعات علمی به روش توصیفی ـ تحلیلی نیز کار این دارد و به پژوهشگر کمک می‌کند تا از این طریق به کشف عناصر و عوامل زیربنایی و روبنایی یک اثر از درون آن نایل گردد. گاهی یک برنامه آموزشی مبتنی بر اکتشاف، با فرصت دادن به فراگیران، اشتیاق مضاعفی را نسبت به کشف مسئله از درون ایجاد می کند. رویکرد اکتشافی کاربرد وسیعی در فرایند آموزش و پرورش کودکان دارد و فرصت مناسبی را برای توانایی کشف و خلاقیت در کودک فراهم می‌آورد (ر.ک: کریمی، ۱۳۷۸، ص۵۷–۵۸).

۲. نویسندگانی نیز در برابر هجوگویی‌ها و نوشته‌های توهین آمیز علیه علامه مصباح واکنش نشان داده‌اند و پاسخ‌های لازم ارائه کرده‌اند که برای رعایت اختصار در اینجا فقط به ذکر نشانی مطالبشان بسنده می‌شود. بدیهی است هر کسی خواهان اطلاعات بیشتری است به این مأخذها مراجعه کند.

دکتر محترم، محمد حسین، "آن همه دشمنی با علامه مصباح؛ چرا؟" در روزنامهٔ کیهان، ۲۰ دی ۱۳۹۹، کد خبر :۲۰۸۲۳۹.
https://kayhan.ir/fa/news/208239

عباسی، علی اکبر، "دلیل تخریب‌های بی‌محابا علیه آیةالله مصباح یزدی چیست؟!" در بولتن نیوز، ۱۷ تیر ۱۳۹۲، کد خبر: ۱۵۶۲۶۰.
https://www.bultannews.com/fa/news/156260

۳. قال الامام الصادق﵇: مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَ عَمِلَ بِهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ دُعِیَ فِی مَلَکُوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِیماً فَقِیلَ تَعَلَّمَ لِلَّهِ وَ عَمِلَ لِلَّهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ.

منابع

نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، پرهیزکار.

اسلامی، محم تقی، ۱۳۸۲، ***زندگینامهٔ آیةالله محمدتقی مصباح یزدی***، قم، پرتو ولایت.

جامعهٔ اسلامی دانشجویان، دفاتر دانشگاهی، «قلم‌هایی که امروز آیةالله مصباح را نشانه رفته‌اند، فردا پا را فراتر می‌گذارند»، ***خبرگزاری فارس***، ۱۴۰۰/۴/۱۶، کد خبر: ۱۴۰۰۰۴۱۶۰۰۰۸۴۴.

جوادی آملی، عبدالله، ***پیام تسلیت به مناسبت رحلت علامه آیةالله مصباح یزدی***، ۱۳ دی ۱۳۹۹.

حسینی خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۸، ***حدیث ولایت: مجموعه بیانات و مکتوبات رهبر معظّم انقلاب اسلامی***، تهران، انقلاب اسلامی.

ـــــ ، ***پیام تسلیت به مناسبت رحلت علامه آیةالله مصباح یزدی***، ۱۳ دی ۱۳۹۹.

ـــــ ، ***در دیدار استادان و دانشجویان بسیجی «طرح ولایت»***، ۱۳۷۹/۶/۱۰.

ـــــ ، ***در دیدار اعضای «گروه ویژه» و «گروه معارف اسلامی» صدای جمهوری اسلامی ایران***، ۱۳۷۰/۱۲/۱۳.

ـــــ ، ***در دیدار با دانشجویان و استادان طرح ولایت***، ۱۳۷۸/۶/۱۲.

ـــــ ، ***در دیدار حافظین جامعه القرآن الکریم***، ۱۳۸۰/۴/۴.

ـــــ ، ***در دیدار طلاب بنیاد فرهنگی باقرالعلوم؛ بورسیه به خارج کشور***، ۱۳۷۱/۲/۱۷.

داوودی، رشید، «نقدهایی که آقای تاجزاده بی‌پاسخ گذاشت»، پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران (jamaran.ir)، ۸/اردیبهشت/۱۴۰۰.

رهنمایی، سید احمد، ۱۳۹۰، ***مکتب تربیتی علامه طباطبائی***، قم، مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

ـــــ ، ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۰، «جفای قلم»، خبرگزاری رسا، کد خبر :۶۷۹۹۱۶

روزی‌طلب، محمدحسن، ۱۳۹۸، ***ذوالشهادتین امام: برش‌هایی از خاطرات و روایت‌های تاریخی آیةالله محمدتقی مصباح یزدی***، تهران، شهید کاظمی.

صدیقی، سعید https://www.mojnews.com/1399112136555

صنعتی، رضا، ۱۳۸۹، ***گفتمان مصباح***، چ دوم، قم، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

عباسی، علی‌اکبر، «دلیل تخریب‌های بی‌محابا علیه آیةالله مصباح یزدی چیست؟!»، در: ***بولتن نیوز***، ۱۷ تیر ۱۳۹۲، کد خبر: ۱۵۶۲۶۰.

عربی، حسینعلی، ۱۳۸۱، ***نگاهی بر زندگی و خاطرات حکیم فرزانه حضرت آیةالله مصباح***، قم، زلال کوثر.

فرهنگ پویا، ۱۳۹۹، ***حکیم و فقیه مجاهد: ویژه‌نامهٔ ارتحال حضرت علامه مصباح***، قم، دفتر نشریهٔ فرهنگ پویا.

کریمی، عبدالعظیم، ۱۳۷۸، ***رویکردی نمادین به تربیت دینی با تأکید بر روش‌های اکتشافی***، تهران، مؤسسهٔ انتشارات قدیانی.

کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، ***الکافی***، ج۱، تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

مسعودی خمینی، علی‌اکبر، farsnews.ir/news/13991013000270

مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۴، ***آفتاب ولایت***، تدوین محمدباقر حیدری کاشانی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

ـــــ ، «گامی در مسیر تولید علوم انسانی اسلامی»، سخنرانی در مراسم افتتاحیهٔ سال تحصیلی ۸۸-۸۹، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۲ مهر ۱۳۸۸.

ـــــ ، ۱۳۹۱الف، ***اخلاق در قرآن***، ج۲، نگارش محمدحسین اسکندری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

ـــــ ، ۱۳۹۱ب، ***پند جاوید: شرح وصیت امیرالمؤمنین علی به فرزندش امام حسن مجتبی***، نگارش علی زینتی، علی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

ـــــ ، ۱۳۹۲، ***سیری در ساحل: بینش و منش حضرت امام خمینی***، نگارش علی احمدی‌خواه، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

ـــــ ، ۱۳۹۸، ***در جستجوی عرفان اسلامی***، نگارش محمدمهدی نادری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

ـــــ ، ۱۳۹۹، ***آیین پرواز (ویژه جوانان و نوجوانان)***، تلخیص جواد محدثی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

واعظ عبایی خراسانی، مهدی، گفت‌وگو با پایگاه اطلاع رسانی امید نامه، ۲۱ آبان ۱۳۹۷، کد مطلب: ۱۹۲۸۲.

http://omidnameh.com/news/19282
http://www.jahannews.com/news/651732
http://www.jahannews.com/news/750119
https://bookroom.ir/book/79610
https://kayhan.ir/fa/news/208239
https://mesbahyazdi.ir/node/343
https://rasanews.ir/fa/news/672152
https://rasanews.ir/fa/news/679916
https://www.alef.ir/news/3991013105.html
https://www.aparat.com/result
https://www.bultannews.com/fa/news/156260
https://www.farsnews.ir/news/14000416000844
https://www.magiran.com/article/1048790
https://www.yektapress.com/fa/news/5687